بیکر و همیلتون در میزگرد سی.ان.ان به چالش منتقدان رفتند

گزارشی با ۷۹ توصیه بی‌سرانجام

ترجمه: حامد شهبازی

گزارش گروه بیکر - هامیلتون چند روز پس از انتشار آن هنوز در ۲ کشور آمریکا و عراق، محل بحث و مناقشه است، نه کاخ سفید که این گزارش بر شکست آن در کارزار عراق مهر تایید نهاد به توصیه های تیم بیکر - هامیلتون تمکین کرده است و نه رهبران سیاسی عراق از طالبانی تا حکیم و حتی جناح سلفی ها نشانی از امید در این گزارش یافته اند. لذا طبیعی است در چنین وضع سردرگمی که گریبان گزارش فوق و تیم تدوین کنندگان آن را گرفته، جیمز بیکر و لی همیلتون به سرزنش و ملامت منتقدان زبان بگشایند و رهبران هر ۳ طایفه شیعه، کرد و تسنن عراق را دربرابر اتهام سهم خواهی و بلندپروازی قرار دهند. در حالی که قاطبه گروه ها و رجال سیاسی عراق از بی اعتمادی مفرط تدوینگران گزارش به اراده ملت و اقوام عراق در اداره این کشور اعتراض سر داده اند، بیکر و همیلتون در تریبونی که شبکه سی.ان.ان برای آن ها فراهم کرده درباره آینده عراق و اداره امنیت این کشور کلام خود را به همان ریسمانی می آویزند که رئیس جمهور این کشور توسل می جوید. یعنی این که باید آمریکا و نیروهایش همچنان در عراق بمانند و گزینه ای جز این، منافع کاخ سفید را تامین نمی کند. این مباحثه از نظر گرامیتان می گذرد.

گروه بین الملل

آقای بیکر، جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق، به طور جدی گزارش گروه شما را رد کرده و می گوید این گزارش شامل مفاد خطرناکی است که حاکمیت عراق را تضعیف می کند. واکنش شما چیست؟

بیکر: فکر می کنم اگر واقعاً رئیس جمهوری عراق اینگونه گفته باشد، ناامید کننده است. از سوی دیگر، آنچه که دراین گزارش نقل شد، این حقیقت بود که ما خواستار تقسیم منابع نفتی شدیم. این بحثی از روند آشتی ملی است. به صراحت باید گفت آینده عراق در گرو این امر است که آیا دولت عراق می تواند یک برنامه آشتی ملی را بین کردها، شیعیان و سنی ها به اجرا درآورد یا خیر. ویکی از عناصر صدر صد برنامه آشتی ملی، تقسیم منابع نفتی براساس جمعیت است. در سفری که به عراق داشتیم، هر کسی را که می دیدیم با این امر موافق بود.

سناتور همیلتون، رئیس جمهوری عراق، اینگونه گفته است: «فکر می کنم گزارش بیکر - همیلتون ناعادلانه و غیرمنصفانه است. این گزارش شامل مفاد بسیار خطرناک است که حاکمیت عراق و قانون اساسی آن را تضعیف می کند. من این گزارش را نوعی اهانت به مردم عراق می دانم. این گزارش این ذهنیت را پدید می آورد که عراق یک مستعمره است که آن ها با شروط خود را به آن تحمیل می کنند و استقلال ما را نادیده می گیرند.» نظر شما دراین باره چیست؟

همیلتون: بخشی از این مشکل به این خاطر است که ما کمک مشروط به عراق را توصیه کردیم که بستگی به عملکرد دولت عراق دارد. ما از عراقی ها می خواهیم که در رابطه با آشتی ملی، امنیت و ارائه خدمات اساسی، شماری از اقدامات لازم را صورت دهند و اگر آن ها این اقدامات خاص را صورت ندهند، ما درآن صورت در گزارش خواستار کاهش کمک های نظامی، اقتصادی یا سیاسی شدیم. تا این مقطع، ما به عراقی ها چک سفید داده ایم. من تعجب نمی کنم که رئیس جمهوری عراق به چنین معامله ای تمایل دارد. اما اعتقاد داریم که مردم آمریکا خواهان آن هستند که کمک های ما مشروط باشد. آن ها خواهان آن هستند که کمک های ما تنها در صورتی در اختیار عراقی ها قرار گیرد که شاهد واکنشی از سوی دولت عراق باشیم که نشانگر عملکرد آن ها باشد. فکر نمی کنم مردم آمریکا خواهان تمدید اعطای ماهانه ۸ میلیارد دلار به عراق و دولتی باشند که اقدامات کافی برای توقف کشتارها در عراق صورت نمی دهد. لذا ما از دولت عراق می خواهیم در این رابطه کاری صورت دهند.

آقای بیکر، دیگر رهبران کرد هم گفته اند که با نظر گروه شما برای برگزاری یک کنفرانس بین المللی با حضور همسایگان منطقه ای عراق موافق نیستند. زیرا آنگونه که همگان می دانند کردها خواهان آن نیستند که ترکیه در آینده شمال عراق ایفای نقش کند زیرا معتقدند که آنکارا به دنبال ایجاد یک کردستان خودمختار است.

بیکر: البته، کردها خواهان آن نیستند که ترکیه در رابطه با تحولات کردستان شمال عراق و جلوگیری از امتیازاتی که مدیون اقدامات جورج بوش اول در سال ۱۹۹۱ هستند، نقشی ایفاکند. کردها خواهان آن نیستند که ترکیه به شمال عراق پاگذاشته و آن ها را سرکوب کند. این یکی از اهداف اصلی پیشنهاد ماست که نه تنها کنفرانسی برگزارشود بلکه اجلاسی با حضور کشورهای همسایه عراق، اجلاسی با حمایت آمریکا و دولت عراق و اجلاسی که نوری المالکی نخست وزیر عراق حمایت کرده، برگزارشود. من درحقیقت از جهاتی از این انتقاد گیج شده ام.

سناتور همیلتون! عبدالعزیز حکیم که قدرتمندترین سیاستمدار شیعه و یکی از رهبران شیعیان در عراق است، تصریح کرده که به طور کامل با چندین توصیه کلیدی شما از جمله نظریه مشارکت بازیگران منطقه ای مخالف است. وی خواهان برخورداری شیعیان از اختیارات ویژه در ۷ و ۹ استان جنوب عراق است، مانند منطقه خودمختاری که کردها در شمال عراق دارند. و درعین حال نسبت به پیشنهاد مشارکت سلفی های عربستان سعودی، مصر، اردن در آینده عراق انتقاد دارد. بنابراین شما می بینید که یک رهبر کرد یعنی طالبانی و یک رهبر شیعه یعنی حکیم دست کم مفاد کلیدی توصیه های شما را رد می کنند.

همیلتون: خب، ما خواهان عراق متحد هستیم. این برای من تعجب آور نیست که حکیم خواهان چشم پوشی از نقش سلفی هاست. شما درعراق با ۳ گروه بزرگ کردها، شیعیان و سنی ها روبه رو هستید و یک تحرک واقعی در جریان است که سلفی ها منزوی و خاموش شوند. این وضع تجویزی برای ادامه جنگ است. در صورتی که سلفی ها بخشی از یک توافق نباشند و یک دولت تحت رهبری شیعیان را به نوبه خود نخواهندپذیرفت. به علاوه در حال حاضر همه دوستان ما در منطقه دولت های غیرشیعه هستند و آن ها اجازه نخواهندداد که دولتی درعراق شکل گیرد که شیعه یا کرد یا ترکیبی از این دو باشد. بنابراین ما به موجب این رویکرد نوعی از جنگی دائمی را پیش بینی می کنیم.

آقای بیکر! نظر شما چیست؟

فکر می کنم این وضع تجویزی برای یک جنگ منطقه ای گسترده تر باشد و همانطور که همیلتون گفت، این امر قابل درک است. فکر می کنم که کردها که ترجیح می دهند حکومت مستقل خود را حفظ کنند، ممکن است با برخی از پیشنهادهای ما مشکلاتی داشته باشند که آن ها شاید خواهان حمایت از نگرش رئیس جمهوری آمریکا یا نگرش دولت کنونی باشند و این که عراق بتواند خود را سرپا نگهدارد، از خود دفاع کند و خود را اداره کند. شیعیان هم به این دلیل که خواهان اختیارات ویژه در جنوب هستند، ممکن است با این پیشنهادها مشکل داشته باشند.

آقای بیکر! کردها از گزارش شما به هیجان نیامدند. شیعیان از آن زیاد خوشحال نیستند. اعضای سنی پارلمان عراق نیز به این گزارش اینگونه واکنش نشان داده اند که این توصیه ها ممکن است راه حلی برای بحران آمریکا درعراق باشد. اما راه حلی برای بحران عراق نیست. خروج نیروهای آمریکایی در زمانی که نیروهای عراقی هنوز ضعف آموزش دارند، نامناسب است. در ابتدا باید سازماندهی عناصر امنیتی صورت گیرد زیرا ساختار امنیتی براساس مبانی فرقه ای پایه ریزی شده است. هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها عدالت را اجرا کنند. واکنش شما به این موضعگیری نمایندگان سنی پارلمان عراق چیست؟

بیکر: فکر می کنم نمایندگان سنی پارلمان عراق باید گزارش ما را بخوانند، زیرا از خروج نیروهای آمریکایی از عراق بیش از آموزش و تجهیز و استقرار نیروهای عراقی، صحبتی نکرده ایم. هرگونه خروج نیروهای آمریکایی البته باید مشمول شرایط تغییر یافته در متن عراق باشد.

آقای همیلتون نظر شما در این رابطه چیست؟

همیلتون: خب، تجب آور نیست که طیفی از شماها خواستار ماندن نیروهای آمریکایی در عراق هستند، زیرا در حال حاضر نیروهای آمریکایی از این قشر محافظت می کنند. ما برای سوق دادن این گروه ها به یک ملت متحد تلاش کرده ایم. مبنای همه سیاست های ما در سالهای اخیر، تشکیل یک عراق متحد بوده است. رهبرانی که شما نام بردید کسانی هستند که از گروه های قومی خود سخن می گویند و به اوضاع از این زاویه نگاه می کنند. اگر این زاویه دید این رهبران باشد، آنگاه از کاهش نیروهای آمریکایی در عراق و عراقی متحد، خبری نخواهد بود. ما خواهان یک عراق متحد هستیم. ما آماده ارائه منابع بسیاری در این زمینه هستیم اما چنین اظهاراتی انجام این کار را برای ما دشوار می سازد. همه این رهبرانی که با ما صحبت کردند، گفتند که خواهان عراق متحد هستند.

یعنی منظور این است که اگر این رهبران با طرح شما مشکل داشته باشند، اعمال یک راه حل دشوار خواهد بود.

بیکر: بله. همین طور است. اگر آنها خواهان این امر نیستند، ما نمی توانیم به هدف مان برسیم. ما نمی توانیم از راه نظامی به هدف خودمان برسیم. در صورتی که این رهبران متحد نشوند و واقعاً آشتی ملی را نپذیرند و موضعگیری آنها تنها در مسیر منافع فرقه ای و قومی خود باشد، ما نمی توانیم مشکلات عراق را حل کنیم.

آقای بیکر! شما در گزارش خود آورده اید که جنگ عراق به طور متوسط ۲ میلیارد دلار در هفته برای مالیات آمریکایی هزینه دربردارد و نزدیک به ۳ هزار آمریکایی نیز کشته شده اند. اگر آمریکا برای یک سال دیگر در عراق بماند و یک هزار نیروی آمریکایی دیگر کشته و ۵ هزار نفر دیگر مجروح شوند، ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه شود. این امر در واقع بین آنچه که گفته می شود و آنچه انجام می شود، تفاوت ایجاد می کند؟

بیکر: نمی توان بر زندگی نیروهای آمریکایی ارزش گذاشت. هیچ راهی برای ارزیابی این امر وجود ندارد. آمریکا منافع مهمتری از آنچه که در عراق روی می دهد و آنچه که در منطقه روی می دهد، دارد. آمریکا در حال حاضر در عراق است. نمی توانیم به راحتی وسایل خود را جمع کرده و این کشور را ترک کنیم. آنگاه ما یک جنگ داخلی فراگیر را شاهد خواهیم بود، یک جنگ منطقه ای و در این صورت منافع آمریکا در آن بخش از جهان لطمه بسیاری خواهد دید. بنابراین ما هیچ بختی نداریم. ما می گوییم باید در مأموریت اولیه نیروهای آمریکایی در عراق تغییر صورت بگیرد و با یک هجمه تقویت شده و حرکت فعال دیپلماتیک و با ارائه مشروط کمک های آمریکا به دولت عراق، می توان تفاوتی ایجاد کرد که به موفقیت ما کمک می کند.

آقای همیلتون! همان طور که می دانید بسیاری از همکاران دموکراتیک شما، همکاران پیشین در کنگره، بر این باورند که خروج نیروهای آمریکایی از عراق باید در کوتاه ترین زمان ممکن صورت گیرد، شما به مردم آمریکا که بر این باورند که ادامه به خطر انداختن نیروهای آمریکایی در عراق سودی ندارد، چه می گویید؟

همیلتون: من فکر می کنم اظهارات بیکر درباره این امر که آمریکا منافع بسیاری در منطقه دارد، درست است. هیچ منطقه ای از جهان بیش از خاورمیانه، در این سال ها برای آمریکا دردسرساز نبوده است. ما نه تنها تلاش می کنیم راه حلی برای عراق ارائه دهیم بلکه تلاش می کنیم راهبردی جامع و دیپلماتیک ارائه شود که حل تمامی مشکلات منطقه را در نظر بگیرد. عراق کشوری نفت خیز است، کشوری است که سنی ها و شیعیان در آن زندگی می کنند، کشوری است که از جهاتی نقطه تلاقی است. بی ثباتی در عراق تمامی منطقه را دربرخواهد گرفت که در این صورت اوضاعی پر از هرج و مرج را شاهد خواهید بود که برای منافع آمریکا بسیار مضر خواهد بود.

آقای بیکر! نکته جالب توجه این که بیشتر انتقاداتی که از گزارش شما در داخل آمریکا می شود، نه از جانب دموکرات ها بلکه از جانب عناصر محافظه کار بویژه جمهوریخواهان صورت می گیرد. روزنامه نیویورک پست در سرمقاله خود تحت عنوان «شورای ترسوها» می نویسد: گروه مطالعات عراق ۷۹ توصیه ارائه کرده که به خروج حاکی از ترس ده ها هزار عراقی که به تعهدات آمریکا در قبال این کشور متکی هستند، خواهد افزود. این در حالی است که متحدان منطقه ای آمریکا بر این باورند که آمریکا حتی ما را رد کرده و می خواهد جنگی را که آغاز کرده به پایان برساند. در صفحه اول این روزنامه جمله «تسلیم صهیونها» و چهره شما و لی همیلتون نقاشی شده است. واکنش شما به این مسأله چیست؟

بیکر: مسائلی که در این سرمقاله نوشته شده صحت ندارد. حقیقت موضوع این است که ما یک راهبرد جامع در عراق داریم که پیشنهاد کردیم شامل مسائل نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و تغییر درماهیت روابط ما و رویکرد ما در قبال دولت عراق باشد.

هیچ اشاره ای در گزارش ما به خروج کور کورانه نشده است. در این گزارش به تغییر مأموریت اولیه نیروهای ما اشاره شده است. فکر نمی کنم مردم آمریکا خواهان آن باشند که پسران و دختران شان به عراق فرستاده شوند تا قضاوت خشونت فرقه ای بین بخش های مختلف عراق را داوری کنند. ما هنوز فکر می کنیم که می توانیم هدف بوش درباره عراق را که بتواند از خود دفاع کند، از خود حمایت کند و روی پای خود بایستد، خود را اداره کند، تأمین کنیم و این در صورتی ممکن است که تغییراتی را که خواستار آن شدیم انجام دهیم. ما از همان ابتدا هم می دانستیم که مورد انتقاد همه گروه ها قرار خواهیم گرفت. اما واقعیت امر این است که دولت آمریکا در عراق مشکل بزرگی دارد. این مشکل با چنین تفاسیر و سرمقاله هایی حل نخواهد شد. این مسأله با روی آوردن به سیاست، حل خواهد شد. مردم آمریکا خواهان آن نیستند که با مسأله عراق فقط به عنوان یک موضوع سیاسی برخورد شود. آنها خواهان برخورد با آن با جدیتی که نیازمند آن است، هستند.

آیا از واکنش اولیه جورج بوش به گزارش خود ناامید شدید یا امیدوار؟ شما با او دیدار کردید و اظهارات او را شنیدید. بوش از مذاکرات بدون شرط با ایران و سوریه هیجان زده نشد. وی از جدول زمانی که به گفته وی خواستار خروج خیلی سریع آمریکا از عراق است، هیجان زده نشد.

همیلتون: ما خواهان خروج خیلی سریع نیستیم. بلکه از واکنش بوش امیدوار شدیم. وی گفت که این گزارش که دو حزبی ارائه شده، ممکن است مبنایی برای زمینه مشترک باشد و در روزهای آینده توصیه های بسیاری دریافت خواهدکرد از جمله مبنی بر این که مشارکت دو حزبی می تواند باعث اتحاد در درون آمریکا شود و می تواند تلاش های ما را به عنوان یک کشور متحد کند. ما حمایت بی حد و حصری از هر پیشنهادی درباره عراق نخواهیم داشت. این گزارش است که با یک پیشنهاد مؤثر جو سیاسی در داخل واشنگتن وجو سیاسی آشفته در عراق را دربرگرفته و به ما و عراقی ها اجازه می دهد تا با مشارکت یکدیگر این جنگ را به پایان برسانیم، درحالی که منافع آمریکا نیز حفظ شود. فکر می کنم بوش قبل از آن که به گزینه دیگر روی آورد باید به این گزارش به دقت نگاه کند.

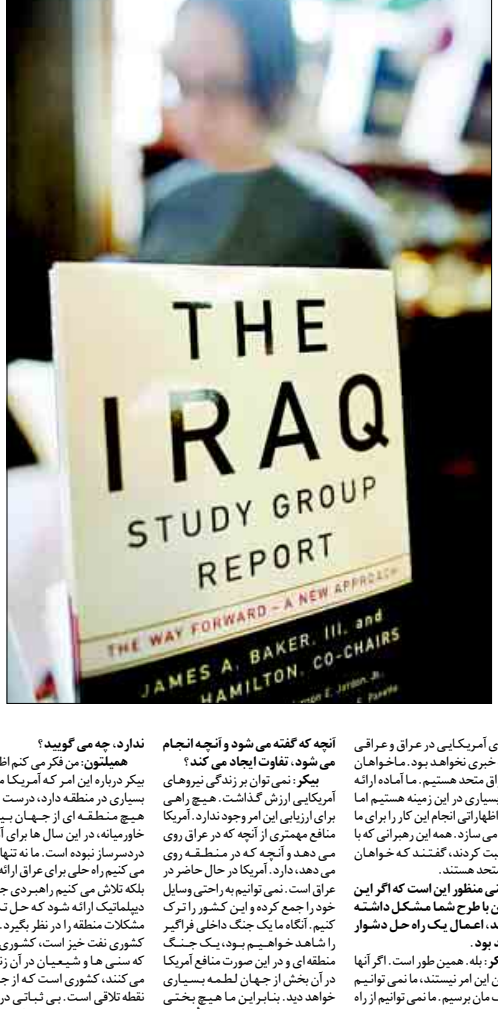

قربانی ۱۱ سپتامبر شیلیایی ها

نوشته: گلوریا لاریوا برگردان: پوراندخت مجلسی

تا پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این روز برای آزادیخواهان جهان، بیانگر سرکوب عنان گسیخته مردم شیلی به دست سیا (سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا) بود. در روز ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۴ ژنرال آگوستو پینوشه، سالوادور آلنده رئیس جمهوری مردمی شیلی را با کمک و پشتیبانی آمریکا، برانداخت و قوانین فاشیستی را بر کشور شیلی حکمفرما کرد. طی هفته های اول کودتا، پینوشه و ارتش شیلی، جنبش های کارگری را که در زمان حکومت مردمی آلنده اوج گرفته بود، در هم کوبیدند. معترضان، به خاطر ده ها هزار فرد شکنجه شده به وسیله دولت پینوشه و برای اجرای عدالت، درگیر مبارزه ای سخت شدند.

روز دهم دسامبر امسال پینوشه در سن ۹۱ سالگی بر اثر حمله قلبی مرد و از عدالتی که مردم شیلی سال ها به دنبال آن بودند، گریخت. او مسئول شگنجه و مرگ هزاران شیلیایی بود.

با اعلام مرگ پینوشه، تونی فرانتو، سخنگوی کاخ سفید، متملقانه برای قربانیان پینوشه ابراز احساسات کرد: «دیکتاتوری پینوشه در شیلی نماد یکی از سخت ترین دوران تاریخ ملت ها بود. امروز ما به قربانیان و خانواده های آن ها در آن رژیم می اندیشیم». ولی دولت آمریکا مسئول آن ده ها هزار قربانی است. کودتای ۱۹۷۳ در واشنگتن طراحی شد، حکومت پینوشه ۱۷ سال حمایت کامل دولت های آمریکا را با خود داشت و هنری کیسینجر به عنوان معمار این کودتا شناخته می شود.

در مبارزات انتخاباتی سالوادور آلنده، برای ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۰، دولت نیکسون، سازماندهی وسیعی را در مخالفت با او آغاز کرد؛ زیرا آنها می دانستند در صورت انتخاب آلنده، ملی شدن مس شیلی که در حال وقوع هم بود، شدت می گرفت. سیا با راهنمایی های ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر، آنچه را لازم بود برای شکست آلنده انجام دادند. مس شیلی که در انحصار کمپانی های آناکوندا و کنه کات یوتا بود با کمک شرکت مخابراتی ITT که ۷۰ درصد سهام تلفن شیلی را در مالکیت در داشت، مقدمات کودتا را در شیلی فراهم آوردند.

در آن زمان شیلی ۸۰ درصد درآمد ملی خود را از معادن مس خود به دست می آورد. ولی بیشتر ثروت کشور به صندوق شرکت های آناکوندا و کنه کات یوتا سرازیر می شد که بیشترین سهم مس شیلی را در اختیار داشتند. نورمن گال، صاحبنظر اقتصاد در سال ۱۹۷۲ نوشت: «در سال ۱۹۷۶ چون جنگ ویتنام تقاضا و بهای مس را به طور کلی بسامبه ای افزایش داده بود، سهم شرکت های آناکوندا و کنه کات یوتا از هر سهم ۴/۳۱ دلاری به ۴/۰۵ دلار رسید». در آغاز دهه ۱۹۶۰، تقاضای مردم برای ملی شدن صنایع مس شیلی و کنترل آن منابع به وسیله دولت، به اوج رسید که سرانجام به ناچار حق مالکیت عمومی بر سهم ۵۰ درصدی پذیرفته شد. وقتی انتخابات ۱۹۷۰ نزدیک می شد، برنامه های رادیکال آلنده تهدیدی برای منافع آمریکا در سراسر آمریکای لاتین به نظر می رسید.

رئیس جمهوری شیلی پیش از سالوادور آلنده، ادوارد فری، از حزب دموکرات ـ مسیحی، پیشنهاد ملی کردن محدود را با پرداخت خسارت به کمپانی های آمریکایی مطرح کرده بود. ولی در سال ۱۹۷۱ آلنده با رأی قاطع و یکپارچه کنگره شیلی، کنترل کامل بر مس کشور را بدون پرداخت غرامت به اجرا درآورد. کابینه آلنده به این نتیجه رسیده بود که شرکت های آناکوندا و کنه کات یوتا، سودهای کلانی را خیلی بیشتر از آنچه دفاتر آن ها نشان می داد، از مس شیلی برمی دارند.

آلنده یک رجل مردمی در روند سوسیال ـ دموکراسی شیلی بود. او معتقد بود که دولت انتخابی او خواهد توانست جنبش مردمی را به آرامی و بدون تنش، از طریق ملی کردن و اصلاحات اساسی و ریشه ای به انجام برساند؛ در حالی که هنوز متکی به پلیس، نیروهای مسلح، دادگاه ها و سایر مؤسسات رسمی سرمایه داری بود. با انجام اصلاحات اساسی و در نتیجه افزایش مردمی که خواهان رهایی از سلطه آمریکا بودند، سرمایه داران شیلی و طبقه متوسط آن به وسیله سرمایه داری آمریکا بسیج شدند. آن ها اقتصاد شیلی را با تحریم، تعطیلی و وقفه در صنایع متزلزل کردند.

آلنده بر این گمان بود که ارتش و پلیس در این منازعه بی طرف خواهند ماند و «از قانون اساسی دفاع خواهند کرد». وقتی در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ خطر کودتا بیشتر شد، آلنده به جای این که دانش آموزان، دانشجویان و طرفداران خود را بسیج کند، به سازمان های موجود هوادار آمریکا و سرمایه داران دل خوش کرد.

این در حالی بود که فیدل کاسترو رئیس جمهوری کوبا حمایت راسخ خود را از مبارزات مردم شیلی و آلنده اعلام کرد. البته خود آلنده هم به خوبی می دانست که مسیر صلح آمیز برای دستیابی به اصلاحات موردنظر او را آمریکا در هم خواهد شکست. در ملاقاتی بین این ۲ رهبر، کاسترو اسلحه ای اتوماتیک به آلنده هدیه کرد.

با تحریم اقتصادی شیلی به وسیله بانک های جهانی و مداخله و دستکاری در بازار جهانی مس و خرابکاری در صنایع به وسیله سرمایه داران شیلیایی، برای انقلابی های شیلی روشن بود که آن ها همه در شکنجه و قتل مخالفان دیکتاتوری در شیلی شرکت داشتند.

آلنده با عمیق تر شدن بحران، در ۲۳ آگوست ۱۹۷۳، به اقدام عجیبی دست زد. او آگوستوپینوشه را به فرماندهی کل قوا گماشت و پینوشه ۱۸ روز بعد سلاح ها را به طرف مردم برگرداند. صبح روز ۱۱ سپتامبر وقتی تانک ها، کاخ ریاست جمهوری را در سانتیاگو احاطه کردند، نیروهای پینوشه به کاخ حمله بردند و در همان حال هواپیماها آنجا را بمباران کردند. در داخل کاخ، آلنده و کارمندان کاخ به مقاومت دست زدند تا این که نیروهای فاشیستی به داخل کاخ هجوم بردند و آلنده کشته شد. تا بعدازظهر همه دفاتر دولتی در کشور به تصرف نظامیان درآمده بود.

در هفته های بعد از کودتا، هزاران انقلابی، روشنفکر، اعضای احتمالی ها و حامیان آلنده دستگیر و در استادیوم ملی سانتیاگو، تحت شکنجه قرار گرفتند و بسیاری از آن ها نیز اعدام شدند. کنگره به حال تعلیق درآمد؛ فعالیت احادیه های کارگری و احزاب سیاسی ممنوع شدند و مراحل قانونی احضار به دادگاه ها حذف شد. هزاران فرد جوان و انقلابی هم در ماه ها و سال های بعد کشته شدند.

پینوشه یکی از ستون های «عملیات کرکس» در جبهه ضدشوروی بود که به جز شیلی ۶ دولت راستگرای دیگر آمریکای لاتین، یعنی آرژانتین، برزیل، پاراگوئه، اروگوئه و بولیوی را دربرمی گرفت. آن ها همه در شکنجه و قتل مخالفان دیکتاتوری در شیلی شرکت داشتند.

با رهبری سیا، بازوی بلند قوانین دیکتاتوری پینوشه در سال ۱۹۷۶ به خیابان های واشنگتن نیز رسید. در ۲۱ سپتامبر ۷۶، جاسوسان پلیس مخفی پینوشه همراه با تروریست های کوبایی، بمبی را در اتومبیل اورلاندو لته لی میر که در زمان آلنده وزیر خارجه بود، کار گذاشتند و او و معاونش را در یک انفجار کشتند.

در دوران حکومت پینوشه یک میلیون شیلیایی به خارج از کشور مهاجرت کردند و به کشورهای دیگر پناهنده شدند. امروز بسیاری از مردم در شیلی و در خارج از آن، مرگ پینوشه را جشن می گیرند، اگرچه خشم موجهی هم وجود دارد از این که او هرگز به خاطر جنایاتش محاکمه نشد.

رسانه های مربوط به سرمایه داری بزرگ، امروز سرکوب های وحشیانه زمان پینوشه را ناچیز جلوه می دهند ولی بیشتر آن ها انتقادهای خود را با این تفسیر که او شیلی را به یک «معجزه اقتصادی» سوق داد، تعدیل می کنند.

خصوصی سازی دوباره صنایع و خراب کردن زندگی کارگران و استانداردهای زمان حکومت ترور و وحشت پینوشه، ۴۹ درصد جمعیت را تا سال ۱۹۸۷ به خط فقر رساند. امروز ثروتمندترین مردم شیلی که ۱۰ درصد کل جمعیت آن را تشکیل می دهند، ۴۷ درصد ثروت کشور را در دست دارند.

منبع: پی.اس.ال